تاریخ بیهق

تألیف

ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف بابن فندق

با تصحیح و تعلیقات

مرحوم احمد بهمنیار استاد دانشگاه

و مقدمه

مرحوم علامه میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی

[redacted]

توانا بود هر که دانا بود

تاریخ بیهق

تألیف

ابو الحسن علی بن زید بیهقی معروف بابن فندق

با تصحیح و تعلیقات

احمد بهمنیار استاد دانشگاه

بتاریخ

مهر ماه ۱۳۱۷ خورشیدی

بمراقبت

مؤسس و مدیر بنگاه دانش

چاپ شد

چاپخانه کانون

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان

مقدمهٔ مصحح وناشر

تاریخ بیهق در اوائل نیمهٔ دوم ازقرن ششم هجری تالیف شده ، وائمهٔ ادب متفقند که بهترین آثارنثر فارسی درکتب ومؤلفات این قرن ودوقرن پیش ویك قرن بعد ازآن یافته میشود ، زیرا نویسندگان این چهارقرن (بجز معدودی محدود) باهمه اختلا ف ذوق ومشرب رعایت سه امر راکه ازشروط بسیارمهم نویسندگی است ملتزم بوده ودرلزوم رعایت آن اختلافی نداشته‌اند ، نخست‌اینکه درانتخاب کلمات فارسی یا عربی شرط فصاحت‌را نگاهداشته ودر ترکیب جمل تاتوانسته اند بجز الفاظ صحیح و سلیس ولغات ساده و نزدیك بفهم‌بکارنبرده‌اند، دوم‌اینکه درعبارت پردازی علاوه بر پیروی، اصول فصاحت وبلاغت طرز واسلوب مخصوص بفارسی را از دست نداده و در تقدیم وتأخیرکلمات وفصل ووصل جمله‌ها ازحدود نحوفارسی (نحوی که‌قواعدآن از محاورهٔ طبقات متوسط گرفته میشود) تجاوز ننموده‌اند ، سوم اینکه درادای هرنوع ازمعانی شرط راستی ودرستی رامنظور داشته وتخلف ازحق وصواب راجایز نشمرده، وفی‌المثل درنوشتن منقول (احادیث واخبار تاریخی وامثال آن) امانت درروایت ، و دربیان معقول (اقسام فلسفهٔ نظری وعملی وفروع هرقسم) مطابقت باعقیده وواقع ، ودر ایراد معانی شعری حسن تاثیرراشرطا عظم دانسته‌ودررعایت این‌شرط کوشیده‌اند. ونظربدین سه‌مزیت یاامتیازاست که‌مورخین‌ادبیات‌ایران ،قرن‌چهارم تاهفتم‌هجری‌را(۱) دورهٔ رشد ونمو نثرفارسی میخوانند و از نویسندگان قرن هشتم ببعد ، کسانی رابحسن

(۱) مورخین علوم وادبیات درمحل خود ثابت‌کرده‌اند که تاثیر حوادث واوضاع درزبان‌وادبیات برفور وبدون فاصله ظاهر ومحسوس نمیشود ، چنانکه اثر حملهٔ مغول درنظم ونثر فارسی ازقرن هشتم شروع بظهورکرده ودرنظم ونثرقرن‌هفتم چندان محسوس‌نیست .

تالیف وانشا میستایند که درشیوهٔ کتابت پیرومؤلفین ومترسلین این دوره بوده‌اند .

مراجعه کنندگان بکتب ورسائلی که در این دوره بنثر فارسی نوشته شده‌است اگردرمطالعات خود دقت‌وتاملی‌راکه‌شرط مطالعه‌است بکار برند گذشته ازاستفاده‌های علمی وادبی وتاریخی بابهترین نثرفارسی مانوس وبطرق استعمال‌آن درموضوعات مختلف نقلی‌وعقلی وتخییلی‌آشنا میشوند، وبنابراین، کوشش دراحیاء ونشر آثاراین دوره‌سبب ترویج‌واشاعهٔ نثر صحیح و یکی‌ازمقدمات‌اصلاح زبان‌وادبیات فارسی‌است.

بیشترآثار نامبرده تاچندی پیش ازدسترس همگان دور وبهره‌مندی ازآنهابعدهٔ معینی محدود ومحصور بود، ونسخی هم‌که پس از رواج صنعت چاپ در این کشور انتشار یافته مزایا ومحسناتی راکه شرط افاده واستفاده است فاقد واغلب محتاج باصلاح وتهذیب وتجدید چاپ است، لیکن دراین عصر فرخنده وهمایون که وسائل همه‌گونه ترقی مادی ومعنوی برای ملت ایران فراهم آمده موجبات و لوازم نشر و رواج آثار علم وادب نیزاز هرجهت آماده ومهیا شده است .

برطرف شدن موانع‌وفراهم آمدن وسائل وموجبات اشاعه ونشر کتب‌ومؤلفات سودمند علمی وادبی وتاریخی بسته بوجود دوشرط مهم‌است که درهیچ عصربخوبی‌و کمال این عصر موجود نبوده‌است ،

نخست جمعیت خاطروفراغ بال هنرپیشگان ودانشوران است‌که جز درسایهٔ‌امن وامان‌کامل حاصل نمی شود، وامن‌وامان وآرامش وانتظامی که‌دراین‌عصر نورانی وپرافتخار درپرتوعظمت‌و قدرت شاهنشاه داد گستر رعیت پرور ، یگانه قائد عظیم الشان ایران اعلیحضرت همایون رضاشاه‌پهلوی‌خلدالله‌ایام‌ملکه وسلطنته

درسراسراین‌کشورباستانی حکمفرماوبرقرار گردیده‌است درهیچیك ازاعصارتاریخی‌نظیر نداشته‌وروشنترین گواه‌این‌دعوی‌نهضت‌علمی وادبی وصنعتی ملت‌ایران‌است که‌براهنمایی شهریاردانا وتوانای‌خود قدم درجادهٔ ترقی‌و تعالی‌نهاده مراحل کمال‌تمدن رابسرعتی بی‌نظیر درحال پیمودن‌است .

دوم‌رغبت وشوق‌اهل‌استعدادوذوق‌برتتبع‌آثارعلم‌وادب وصنعت‌است که‌بزرگترین‌باعث‌آن

درهرعصروزمان تشویق وترغیب ملوك ووزراوامراودیگربزرگان بوده وهست، ویگانه مشوق ملت ایران دراین عصر، دانش دوستی وهنرپروری شاهنشاهزادهٔ داناوهنرمندوولیعهد محبوب ومعظم کشور: **والاحضرت همایون محمدرضا شاهپور** است که عموم اصناف وطبقات ایرانی مخصوصاً جوانان هرطبقه وصنف رابسعی وعمل واداشته، وازاثر لطف توجه وحسن عنایت واقبال اوست که دانشجویان ایران باعشق وعلاقه وشور و حرارتی که سابقه ونظیر ندارد درکسب هنرودانش ولایق ساختن خویش برای انجام خدمات علمی وکارهای صنعتی جد وجهد می کنند.

درنتیجهٔ فراهم آمدن این دوشرط مهم است که بازارنشر وترویج کتب ورسائل سودمند مخصوصاً مؤلفاتی که دانشمندان قرن چهارم تاهفتم بنثرفارسی نوشته اند رونق یافته ونسخه های نادرونفیس که درسابق جزمعدودی بدان دسترس نداشتند، بعضی ازقبیل رسائل ابن سیناوافضل الدین کاشانی وتواریخ قم وسیستان ومنشآت بهاءالدین محمدبن مؤید دردسترس همگان گذارده شده، وبعضی ازقبیل ترجمهٔ تاریخ وتفسیر طبری والتفهیم ابوریحان بیرونی ودرةالتاج قطب الدین شیرازی درشرف رواج وانتشار، ویکی ازاین جمله تاریخ بیهق است که بشرحی که خواهد آمد با دونسخهٔ خطی قدیم مقابله وتا حدامکان تصحیح شده وباحواشی وتعلیقات لازم بجامعهٔ علم وادب تقدیم میشود.

مؤلف تاریخ بیهق ابوالحسن علی بن زید معروف بابن فندق است که در قرن ششم هجری میزیسته وازدانشمندان نامی آن قرن بوده است، نسب این دانشمند چنانکه خود درابتدای تاریخ ذکر کنند بخزیمة بن ثابت که ازمشاهیر اصحاب پیغمبر ص بوده است می پیوندد، وبنابراین وی از نژاد تازی واز اعقاب واخلاف اعرابی است که در اوائل عصر اسلامی بایران آمده ودربلاد مختلف این کشور اقامت جسته اند ودرنتیجهٔ پیوند وآمیزش باایرانیان خالص اولاد واعقاب آنها بمرور ایام ودهور تغییرجنس داده ودر عنصر غالب منحل ومستهلك ورفته رفته ایرانی شده اند. ابن فندق کتابهای بسیار که اغلب عربی و بعضی بفارسی بوده است تالیف کرده لیکن بیشتر مؤلفات او از بین رفته وتنها اسامی وعناوین آنها دربعض کتب مضبوط ومحفوظ مانده است.. ازمؤلفات

فارسی او که وجوددارد یکی جوامع الاحکام درفن تنجیم ودیگر همین تاریخ بیهق است که انتشار مییابد.

تاریخ بیهق بنثر ساده نوشته شده وانشاء آن باوجود متوسط بودن از مزایا و محسنات لفظی ومعنوی که خاص مؤلفات قرن چهارم تاهفتم است بهره ونصیب کافی دارد. وازخصائص انشائی که درآن دیده میشود یکی اینست که مؤلف سالهای وقایع رابعربی نوشته ودر انساب طوایف واشخاص نیزغالبا برای اختصار یااحتراز ازتکرار بعبارات عربی متوسل شده وازبهم آمیختن جمله‌های فارسی وتازی نثری ملمع بوجود آورده است، لیکن سایر مطالب رابفارسی یکدست نوشته وسبك تحریراو در این قسمت پسندیده ودر تاریخ نویسی قابل پیروی وتقلیداست. درمطالعهٔ تاریخ بیهق گذشته از آشنا شدن بنوعی از نثرصحیح وفصیح فارسی ببسیاری از نکات تاریخی ووقایع جزئی که درتواریخ عام کمتر ذکر میشود برمیخوریم وعده‌ای ازرجال علم وادب وسیاست را که درکتب دیگر نامی ازآنها برده نشده است میشناسیم، وهمین یك امتیازدرتشویق مابربزرگ داشت قدرو قیمت این کتاب کافی است.

نسخ تاریخ بیهق چنانکه دانشمند معظم آقای محمد قزوینی در مقدمهٔ خود نوشته‌اند درنهایت ندرت وتاآنجا که برایشان معلوم شده فقط سه نسخه ازآن دردست است. آقای قزوینی عکس دونسخه راکه درسالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ گرفته شده است بوزارت معارف ایران ارسال داشته‌اند، وهمین دونسخهٔ عکسی است که نگارنده مأخذ قرارداده وبشرحیکه خواهدآمد این نسخهٔ صحیح را ازمقابله وتصحیح آن دو، مهیا ومرتب ساخته‌است. نسخه‌ای که درسال ۱۳۰۸ بوزارت معارف فرستاده شده‌از روی نسخهٔ خطی قدیمی که در «بریتیش میوزیم» لندن مضبوط است عکس برداشته شده واین نسخه درحسن خط وصحت وقدمت وکامل بودن اوراق برنسخهٔ دیگر (که در سال ۱۳۱۰ ازروی نسخهٔ خطی که درکتابخانهٔ عمومی برلین موجوداست عکس گرفته شده) ترجیح دارد، وبهمین سبب در تهیه وترتیب این نسخه، نسخهٔ مذکور را اصل قرار داد و در استنساخ آن(نظر باینکه کاتب نسخه در کتابت حروف وکلماتی

که رسم‌الخط جدید وقدیم‌آن تفاوت دارد شیوهٔ معینی‌را پیروی‌نکرده است)رسم‌الخط این عهدرا اختیارکرد ، جزدرکلمات (او)و(این)و(ایشان) که‌کاتب‌همزهٔ آنهارا بعداز کلمات (در)و (از) وامثال‌آن درهمه‌جا انداخته‌است، واین‌شیوه که‌پسندیده وامروز هم‌درنزد بعضی متبع‌است حفظ کرده‌شد ، ودرکلمات مقصور عربی‌ازقبیل هوی‌ومبتلی نیزرسم‌الخط اصل‌را درهرجا بهرشکل (بالف‌یاباء) نوشته‌شده بود محفوظ‌داشت(۱)

آقای قزوینی درپایان مقدمه‌ای‌که براین نسخه نوشته‌اند بمشوش بودن‌اوراق نسخه‌اشاره کرده واحتمال‌داده‌اند که‌درصحافی پیش وپس شده‌باشد ، لیکن نگارنده در ترتیب اوراق‌کتاب نقصی‌ندید ، وچنین تصور میکندکه مسطورات ناقص (ربو) امررا بردانشمند معظم‌مشتبه‌ساخته ومطابق نیافتن آنهارا بااوراقی‌که احاله میکند ناشی‌از پریشانی‌اوراق کتاب دانسته‌اند ، وبهرتقدیراوراق وصفحات نسخهٔ‌لندن مرتب ومنظم است، وتنها نقصی‌که‌درآن‌دیده‌شد اینست که‌کاتب‌دراواخرکتاب‌قریب‌دوصفحه‌ازمطالب را (درنسخهٔ‌چاپی ازص ۲۸٤ س۱۲ تاص۲۸۶ س۸) ازقلم‌انداخته واین‌هم‌مربوط بنظم‌وترتیب‌اوراق نیست .

واما نسخهٔ کتابخانهٔ عمومی براین گذشته از اینکه ده‌دوازده صفحه ازاول آن (معادل نه‌صفحه از نسخهٔ چاپی) افتاده است ، درخوبی خط و درستی وقدمت کتابت هم بپایهٔ نسخهٔ‌لندن نمیرسد ، واز یك‌عیب بسیارمهم که بسیاری‌از نسخه های خطی فارسی‌را از اعتبارانداخته‌است–یعنی ازتصرفات ناروای کاتب – نیزخالی‌نیست، ازجمله اینکه درترجمهٔ مجیری شاعر (ص۲۵۸) سطری چند درخصوص ابن یمین شاعرکه‌صدوهشتاد سال بعداز مؤلف‌وفات یافته‌است داخل‌متن‌کتاب کرده، واین‌چند سطرالحاقی خواننده رادرصحت واعتبارسایراضافاتی‌که‌دراین نسخه دیده میشودبشك

---

(۱) ازقواعدی‌که بعقیدهٔ نگارنده دراصلاح‌رسم‌الخط فارسی باید مقرر گردد نوشتن این گونه کلمات‌بالف است . (هوی)راهم کسانی‌که درامثال این‌ترکیب (هوای‌دوست) از (هواء) تشخیص‌میدهند درسایر موارد هم‌تشخیص توانندداد .

وتردید میاندازد . وبا این همه نگارنده برعایت ترتیبی که درتصحیح اختیار کرده بود اضافاتی را که دلیلی برنادرست والحاقی بودن آن دردست نداشت داخل درمتن کرد، وآنهارا بعلامت ورمزی که ذکر آن خواهد آمد ممتازساخت. و ازنکات دانستنی اینکه این نسخه دربسیاری از غلطهای کتابتی بانسخهٔ لندن توافق دارد ، بطوریکه نگارنده احتمال میدهم که هر دونسخه ازروی نسخهٔ ثالثی که غلطهای معین داشته است نوشته شده و نویسندهٔ هر نسخه غلطهای اصل راتقلید کرده واغلاط تازه‌ای هم ازخودبرآن افزوده است. رسم الخط این نسخه هم مانندنسخهٔ لندن مختلف ومتفاوت است، ونویسندهٔ آن مقید ومعتاد بشیوهٔ مخصوص ومعین نبوده ودرطرز کتابت اوهم خصائصی که قابل شرح ووصف باشد دیده نمیشود ، ازاین نسخه (که ازاین ببعد باین رمز «نب» نموده میشود) باهمه نقص وعیبی که یاد شد درتصحیح قسمتی ازغلطهای نسخهٔ اصل (که بعدازاین باین رمز «نص» نموده میشود) رهنما ودلیلی بسیار مهم بود ، ونگارنده اگرآنرا دردست نداشت براصلاح بسیاری از نقائص (نص) ازقبیل دوصفحه که کاتب در اواخر کتاب. ازقلم انداخته است موفق نمی گردید ،

واما چگونگی تهیه وترتیب این نسخهٔ مصحح ازاین قراراست که (نص) را بطوریکه درسابق اشاره شد بمنزلهٔ اصل قرارداده ومندرجات آنرا از ابتدا تاانتها کلمه بکلمه وجمله بجمله با(نب) مقابله ومقایسه کرده ودرضبط اختلافات وتصحیح غلطهای مخصوص ومشترك وشرح وتفسیر مشکلات ترتیب ذیل را مجری ومعمول داشته است :

اولا درمواردی که عبارت یا کلمه‌ای دردونسخه بدووجه نوشته شده است درصورتیکه هردو وجه مفید معنی مناسب وصحیح مینمود (مانند بوی نسبت کنند ، بوی بازخوانند) عبارت اصل را برحال خودگذارد ونوشتهٔ (نب) را بارسم عدد نماینده در ذیل صفحه نوشت ، و اینگونه نسخه بدلها که فراوان است رمز وعلامت مخصوص ندارد ، ودرموضعیکه هردو وجه مخل بمعنی ونادرست بود وجه صحیح محتمل را درمتن ووجه نادرست دونسخه را پس از این رمز (نص ونب) درذیل قرارداد ، مگردرمواردیکه وجه صحیح باحتمال وحدس معلوم نشده که بلفظی ازقبیل (کذا) بدان اشاره کرده است ، ودر محلیکه تنها

نوشتهٔ (نص)نادرست مینمودبدل‌آنرا از (نب)درمتن ووجه‌نادرست راپس ازاین رمز (نص)درذیل ثبت‌نمود. وهرجا که‌تنها نوشتهٔ (نب) نادرست بود‌بهمان‌نسخهٔ‌اصل اکتفا وازضبط نسخه‌بدل که بیش‌از کلمه یاعبارتی غلط نبود صرف‌نظر کرد .

ثانیاً ــ در موردکلمات وعبارات صحیح‌ومناسب بامقام که‌ازیك نسخه‌ساقط ودردیگری موجودبود ، قسمت‌زائدرا درهرجا که از (نب)بود جزء متن قرارداد و درذیل آن‌پس‌ازعدد نماینده این‌رمز (ضا) را ثبت‌کرد ، ودرهرموضع که از «نص» بود این‌رمز«سا» را پس‌ازرقم‌نماینده در ذیل‌آن وضع‌کرد . ودر مواضعیکه قسمت زائد چندین‌کلمه یــا جمله‌بود وتشخیص‌آن‌برخواننده دشوار مینمود ، آغاز قسمت زائدرا بعلامتی‌ستاره مانند ممتاز ساخت .

ثالثا ــ کلمات نادرست وجمله‌های مشوش و اشتباهات یا مشکلات تاریخی را که تصحیح یاشرح وتوضیح آنها بسط وتفصیلی داشت بترتیب صفحات وسطور مرتب ودرآخر کتاب درذیل این عنوان (تعلیقات برتاریخ بیهق) با شرح وبسط کافی ذکر کرد و این رمز (عت) که در ذیل بعض صفحات دیده میشود علامت ارجاع و احالــه بتعلیقات است .

رابعاً ــ ازکلمات محتاج بشرح وتفسیر معدودی را درذیل صفحات پس‌از این رمز (ش) شرح وتفسیر کرد ونامهای جغرافیائی ودیگرالفاظ و لغاتی را که تفسیر آن شرح وبسط داشت‌بترتیب حروف‌تهجی‌مرتب ودرآخرکتاب‌پس‌ازتعلیقات درذیل‌عنوان (شرح و توضیح بعض کلمات و عبارات) باشرح و توضیح کافی ذکر نمود ، و این رمز (رش) نشان احاله وارجاع بشروح است .

خامساً ــ مجموع علامات ورموزی که بشرح فوق دراین نسخه بکار برده‌شده ازاین قرار است :

نص = درنسخهٔ‌لندن‌چنین ، ووجه‌صحیح متن از نسخهٔ برلین‌گرفته شده‌است.

نص‌ونب = درهر دونسخه چنین ، ووجه‌صحیح متن‌بحدس‌وقیاس‌استنباط‌شده‌است .

ضا = کلمه یا جمله یاعبارت متن از (نص) ساقط و در (نب)موجوداست .

ش = تفسیر وشرح کلمه یاجمله .

عت = تفصیل مطلب را در تعلیقات صفحهٔ فلان ملاحظه کنند .

سا = کلمه یاجمله یاعبارت متن‌از (نب) ساقط است.

رش = توضیح معنی‌را بشرح وتفسیر کلمهٔ فلان رجوع نمایند .

رك = این رمز در احالهٔ بغیر تعلیقات و شروح بکار برده شده‌است .

سادساً ـ در تصحیح بعضی از لغات محلی‌واسامی‌دیه‌ها ودیهستانها وبخشهای بیهق‌ببعضی از دانشمندان محل که‌از اوضاع جغرافیائی وتقسیمات اداری سبزوار و شهرستانهای‌اطراف آن اطلاع‌کافی داشتند مراجعه نمود ، و بمساعدت فکری‌ایشان که سپاسگزار آنم املا و تلفظ صحیح‌بسیاری از آن‌لغات و اسامی را بعلاوهٔ معلومات دیگر راجع‌بمحل وقوع دیه ها و معنی و مورداستعمال لغتها بدست آورد ، وشرحی که در ذیل این‌گونه نامها ولغات‌نوشته شده در بیشتر موارد خلاصهٔ معلوماتی‌است که‌بطریق مذکور تحصیل‌شده‌است .

سابعاً — در تعلیقات و شروح بنوشتن مطالبی که دانستن آن شرط درست خواندن کلمات و عبارات و نیکوفهمیدن معانی و مطالب‌است اکتفا و از ترجمهٔ شخاص و وصف امکنه‌ای‌که مؤلف نام برده است‌صرف نظرکرد ، زیرا اگرمیخواست اتعلیقات کتاب را بدینگونه افادات تاریخی و جغرافیائی گرانمایه و گرانبار سازد گذشته از اینکه فرع چندین برابر اصل میشد وقتی بسیار موسع میخواست که با سرعتی که در نشر کتاب مطلوب بود درست نمی‌آمد .

ثامناً ـ برای تسهیل مراجعه فهرستی کامل و جامع ازکلیهٔ مطالب کتاب مرتب و بآخر کتاب بعداز تعلیقات وشروح ملحق ساخت ، و این فهرست بطوریکه درضمن عمل معلوم خواهد شدمراجعه کننده را تا حدی از فهرست اعلام مستغنی میدارد ، زیرا بیشتر اعلام این کتاب (که میان کثرت و اهمیت آنها تناسب معکوس است) در ضمن انساب قبایل و اشخاص یادشده و مورد آنها منحصر بیك موضع است ، و برای جویندهٔ هریك از این قبیل نامها اگر طالب مجهول نباشد کافی است که بصفحهٔ مخصوص بخاندان و قبیلهٔ صاحب نام یا ترجمهٔ دانشمند وبزرگی که بدانها پیوستگی داشته است مراجعه کنند .

تاسعاً ـ مقدمه‌ای‌را که استاد بزرگوار آقای قزوینی در بیان فوائد تواریخ خصوصی و وصف مزایا و خصائص تاریخ بیهق و نسخی که از آن موجود است و مختصری از ترجمهٔ احوال مؤلف کتاب و شمارهٔ تالیفات او و مآخذی که نام او یا بعض مؤلفاتش را در آنها میتوان یافت، برنسخهٔ برلین نوشته اند، در ابتدای کتاب بعداز (این مقدمه) قرار داد . آقای قزوینی برنسخهٔ لندن‌هم مقدمه‌ای‌نوشته‌اند، لیکن مقدمهٔ (نب) که بعداز آن نوشته شده جامعتر و کاملتر و مشتمل‌برتوضیحات و فوائد بیشتراست، و محتویات مقدمهٔ (نص) را هم بدون تغییر عبارت دربردارد، بدین سبب بر مقدمهٔ (نب) اقتصار و آنرا باحواشی و تعلیقات خود آقای قزوینی باستثنای تکملهٔ مربوط بخیام (که با همه سودمندی از موضوع کتاب خارج‌بود) نقل و درج کرد، و در یکی‌دومورد برای مزید توضیح تعلیقاتی ازخود برآن‌افزود.

تهیه و ترتیب تاریخ بیهق بشرحیکه گفته شد با همه موانع و مشکلات که در کار بود در مدتی کمتر از آنچه پیش بینی میشد انجام پذیرفت، و خود را در توفیق یافتن بر انجام این خدمت، مرهون لطف اقبال و حسن استقبال وزارت جلیلهٔ معارف دانسته، و در پایان سخن از توجه و عنایتی که اولیاء آن وزارت خانه بنشر و ترویج آثار علم و ادب فارسی دارند، و مخصوصاً از تشویق ومساعدتی که‌در تصحیح و تکمیل این نسخه نموده و در تسهیل وسائل آن از پذیرفتن درخواستهای موجه نگارنده مضایقه نفرموده اند سپاسگزاری می‌کنم، و مؤید بودن آن وزارت جلیله را بر آباد داشتن کاخ بلند دانش و فرهنگ که دست توانای شاهنشاه عظیم‌الشأن بر افراشته و آن مقام منیع و معظم‌رابحفظ و تعهد آن گماشته است آرزومند و امید وارم .

۱۵شهریورماه۱۳۱۷ احمد بهمنیار

(یادداشت) مراقبت در صحت طبع این کتاب را برادر فاضل نگارنده آقای حسن بهمنیار باجد واهتمام و دقت نظری که بدان ممتاز و معروفند عهده‌دار بوده و بخوبی از عهده برآمده اند. و اغلاط بجای مانده که جدولی خاص برای آن ترتیب داده اند اغلب جزئی و غیر مهم و بیشتر آنها از ریختن و شکستن حروف و نقاط در هنگام طبع ناشی شده است . معدودی هم از غفلت خود نگارنده باقی مانده و از جمله دو غلط ذیل است که در اینجا با وجه صحیح یادداشت و از خوانندگان محترم تقاضا میشود که تصحیح فرمایند :

۱ ـ در صفحهٔ ۳۵۰ ستون ۲ سطر ٦ (وسکون) غلط و صحیح آن (وکسر) است .

۲ ـ در صفحهٔ ۳۵۱ ستون اول سطر ۷ (٦٦) غلط و صحیح آن (۷۵) است .

مقدمهٔ دانشمند بزرگوار آقای قزوینی

(تاریخ بیهق)

بیهق نام قدیم ناحیه ایست از خراسان که سبزوار حالیه شهر عمدهٔ آنست ، و علما و فضلای لایعد و لایحصی در هر عصر و قرنی همواره ازین سر زمین برخاسته اند که کتب تواریخ ورجال و تذکره های شعرا و معاجم شیوخ و طبقات محدثین و فقها مشحون بذکر آنهاست ، مانند ابوبکر احمد بن الحسین بیهقی ازاشهر مشاهیر علمای اهل سنت صاحب سنن و دلائل النبوة ، ومانند ابوالفضل محمد بن الحسین بیهقی دبیر غزنویان و مورخ مشهور صاحب تاریخ مسعودی معروف بتاریخ بیهقی ، و مانند ابوالحسن علی بن زید بیهقی صاحب همین تاریخ بیهق حاضر که عکس آن در مقابل نظر است ، و غیرهم وغیرهم .

موضوع تاریخ بیهق چنانکه اسم آن حا کی است عبارت است از تاریخ این ناحیه از ایران و تراجم مشاهیر رجالی که بدانجا منسوبند از هر قبیل از علما و ادبا و شعرا و وزرا و سادات و کتاب وحکما و اطبا و غیرهم و انساب خانوادهای مشهور که از قدیم در آنجا توطن داشته یا از مواضع دیگر بدانجا هجرت نموده اند . و نیز تا اندازهٔ از جغرافیای این ناحیه ، و چون اطلاع از تاریخ عام هر مملکتی کما هو حقه موقوف باطلاع از تواریخ خصوصی هر ناحیه از نواحی مختلفهٔ آن مملکت است لهذا برای تألیف تاریخ جامع مبسوطی از ایران که این اواخر صحبت آن بسیار بمیان آمده است و امیداست که عنقریب صورت خارجی بپذیرد قبل از همه چیز لازم است که تواریخ محلی ولایات مختلفهٔ ایران متدرجاً تصحیح وطبع شده یا اقلا نسخ متعددهٔ از آن از کتابخانه های خارجه (اگر در ایران موجود نباشد) عکس یا سواد برداشته در محل دسترس فضلا نهاده شود تا مواد لازمه برای تألیف تاریخ عام مذکور بتدریج فراهم گردد .

این نوع تواریخ محلی که در هر عصر وزمان علمای مسلمین شکرالله مساعیهم

بقصد حفظ آثار قدما و تخلید مآثر معاصرین هریك راجع بمسقط الرأس خصوصی خود تألیف می نموده‌اند مانند تاریخ قم و تاریخ اصفهان و تاریخ ری و تاریخ قزوین و تاریخ نیشابور و تاریخ بخارا و تاریخ سمرقند و تاریخ بغداد و تاریخ دمشق و غیرها و غیرها سابقاً بسیار فراوان بوده است و اکنون نیز با آنکه اغلب آنها دستخوش حوادث زمانه شده و از میان رفته است باز عدهٔ معتنابهی از آنها خوش بختانه هنوز باقی است ، از این کتب بعضی بسیار معروف و بچاپ رسیده است مانند تواریخ مختلفهٔ مازندران در چهار جلد که در سنوات ۱۸۵۰-۱۸۵۸ مسیحی (۱۲۶۶ ۱۲۷۵) باهتمام مستشرق روسی (درن) در پطرزبورغ بطبع رسیده‌است ، وتاریخ کرمان موسوم بعقدالعلی للموقف الاعلی (طهران سنهٔ ۱۲۹۳) و فارسنامهٔ ناصری (طهران سنهٔ ۱۳۱۳) و فارسنامهٔ ابن البلخی (لیدن ۱۲۹۱ م = ۱۳۴۰ ه) و تاریخ کردستان معروف بشرفنامهٔ شرف خان بدلیسی (پطرزبورغ سنهٔ ۱۲۷۶) و تاریخ سیستان مجهول المصنف که در سنهٔ ۱۲۹۶ در پاورقی روزنامهٔ ایران بطبع رسیده‌است ، و تاریخ بخارا ازنرشخی (پاریس سنهٔ ۱۸۹۲ م = ۱۳۱۰ه) و ترجمهٔ خلاصه مانندی از تاریخ طبرستان ازابن اسفندیار که باهتمام مرحوم براون انگلیسی در سنهٔ ۱۹۰۵ م = ۱۳۲۳ه منتشر شده است ، و بعض دیگر از این کتب نسبةً کمتر معروف است و نسخ آنها کما بیش نادر ، و در محل دسترس همه‌کس نیست ، مانند تاریخ قم از حسن بن محمد قمی وتاریخ دیگر کرمان موسوم بسمط العلی للحضرة العلیا که در لندن و پاریس نسخی از آن موجوداست ، وتاریخ دیگر سیستان موسوم باحیاء الملوك که در لندن نسخهٔ از آن موجوداست ، و مانند همین تاریخ بیهق حاضر که چنانکه خواهیم گفت سه نسخه بیش از آن فعلا بدست نیست ، ومانند تاریخهای شوشتر ویزد و اصفهان و قزوین و کاشان و بلخ وسمرقند و هرات و غیرها که نسخ آنها در بعض کتابخانه های عمومی اروپا موجود است .

تاریخ بیهق حاضر تالیف یکی از علمای مشهور قرن ششم ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بن محمد بن الحسین البیهقی است ، وی در حدود سنهٔ چهارصد ونود

متولد شده (۱) و در سنهٔ پانصدو شصت و پنج وفات یافته است و معاصر محمد بن عبدالکریم شهرستانی صاحب ملل و نحل متوفی درسنهٔ ۵۴۸ و سیداسمعیل جرجانی صاحب ذخیرهٔ خوارزمشاهی متوفی در سنهٔ ۵۳۱ و من‌فی‌طبقتهما بوده‌است ، ودر صغرسن چنانکه خواهد آمد زمان عمر خیام را نیزدریافته وبمجلس‌اوحاضرشده‌است

(۱) تاریخ (۴۹۹) برای ولادت او در معجم‌الادباء ۵ : ۲۰۸ بلاشك غلططبع‌است که از تبدیل اعداد سنوات بارقام هندی که شیوهٔ ناخوش طابع آن کتاب است ناشی‌شده ونظایر این گونه غلط مکرر در آن کتاب روی داده است ، بیهقی اقلا ده سال زود تر از ۴۹۹ متولد شده بوده است بقرینهٔ اینکه خود در تاریخ بیهق‌حاضر (صفحهٔ ۷۶) گوید « وقتل فخرالملك در عاشورا بود سنهٔ خمسمائة و من آن یاد دارم و در عهد کودکی در دبیرستان معلم بودم بنیشابور » و بدیهی‌است که طفل یکساله بدبیرستان نمیرود و ازیکسالگی چیزی بیاد نمیماند و لابد بایستی در آن وقت ده دوازده ساله بوده باشد ، و بنا براین ولادت‌او در حدود چهار صدو نود یا اندکی پس و پیش خواهدبود چنانکه گفتیم .

(نگارنده گوید) دانشمند محترم آقای سیدمحمدمشکوة در شرح‌حال ووصف آثاربیهقی و خاندان او رسالهٔ مبسوطی تالیف کرده اند و نسخهٔ آنرا چندی است که با اجازهٔ استفاده و نقل در اختیار نگارنده گذارده اند ، مؤلف محترم رساله در خصوص‌سال تولد بیهقی تحقیقی دقیق نموده اند که خلاصه‌اش اینست : سال تولد بیهقی در معجم‌الادباء بغلط ۴۹۹ نوشته شده و بطوری که از مجمل فصیحی مستفاد میشود ۴۹۰ بوده لیکن از نوشته های خود بیهقی چنین بر می‌آید که وی در سال ۴۹۳ تولد یافته است . توضیح آنکه بیهقی بنا بتصریح خودش در سال قتل فخرالملك (۵۰۰ هجری) کودك بوده و بمکتب میرفته و بیشترین سنی که برای او در چنان وقت میتوان فرض کرد دوازده تا سیزده سال‌است ، بنا بر این سال‌تولد او مابین ۴۸۷ و ۵۰۰ محدود خواهد بود ، از حسن اتفاق از سال حقیقی‌ولادت اونشانه‌ای در دست داریم ، و نشانه اینست که غرهٔ شعبان آن سال روز دو شنبه بوده ومأخذ استنباط این مطلب‌عبارتی‌است که خود بیهقی درمقدمهٔ مشارب‌التجارب (که یاقوت عین‌آنرادرمعجم‌الادباء نقل و برای ما حفظ کرده است) آورده و مفادش‌این‌است که تولد وی در روز شنبه بیست‌و هفتم ماه شعبان بوده است . پس از سیزده سال مابین ۴۸۷و۵۰۰ سالی مولد او خواهد بودکه دارای این خاصیت باشد ، وبا مراجعه بتقویم (ووستنفلد) دو سال ۴۸۸و۴۹۳ را دارای این خاصیت می‌یابیم ، و چون از ارقامی‌که نمایندهٔ عدد این دوسال است رقم ۴۹۳ بدو رقم ۴۹۹ و ۴۹۰ شبیه تر و نزدیکتر است ظن قوی میرودکه همین ، سال ولادت او باشد ، و بنا بر این بیهقی در روز شنبه بیست و هفتم شعبان سال ۴۹۳ متولد شده و در روز قتل فخرالملك (عاشورای سال ۵۰۰) شش سال و چهار ماه و سیزده روز داشته است .

و تاریخ بیهق را بتصریح خود در سنهٔ پانصد و شصت و سه در زمان سلطنت مؤید آی آبه از غلامان سلطان سنجر که بلا فاصله بعد از وفات سنجر بر خراسان مسلط شد تالیف نموده است ، و این ابوالحسن بیهقی از مشاهیر علمای عصر خود بوده و کتب نفیسهٔ بسیاری بزبان عربی و فارسی تألیف نموده است . یاقوت در معجم‌الادباء ج ۵ ص ۲۰۸ ـ ۲۱۸ در ترجمهٔ حال او هفتاد و چهار عدد از مؤلفات او را باسم و رسم می‌شمرد ، و همچنین حاجی خلیفه در کشف‌الظنون در مواضع مختلفه عدهٔ کثیری از تالیفات او را ذکر نموده‌است ، بدبختانه از جمیع این کتب نفیسه جز همین تاریخ بیهق حاضر و جز تتمهٔ صوان‌الحکمة در تاریخ حکما گویا چیزی بدست نمانده است (۲) .

(۲) در مکتوبی که آقای سعید نفیسی از طهران بتاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۱۰ بمن نوشته بودند فقرهٔ ذیل مندرج بود که بعین عبارت نقل می‌شود :
دو کتاب دیگر از ابوالحسن بیهقی سراغ دارم ، (اول) کتابی‌است در نجوم بفارسی که یك نسخه از آن بنده خود دارم و نسخهٔ دیگر را آقای . . . علی اکبر . . . دهخدا دارند ، و مقدمه و خطبهٔ آنرا که شامل مؤلفات کثیر از ابوالحسن بیهقی‌است بآقای سید کلیم الله حیدر آبادی دادم ، و دیگر شرحی‌است از نهج‌البلاغه که دو نسخهٔ ازآن در کتابخانهٔ مدرسهٔ فاضل خان در مشهد بوده ، و پس از آنکه آن مدرسه را خراب کرده اند و خیابان جدید مشهد را از آن گردانیده اند ، آن‌کتابهارا بکتابخانهٔ آستانهٔ قدس رضوی ؟ برده اند و اینك آنجاست ، و از مشهد خواسته ام که مقدمه و خطبهٔ آن کتابرا هم برای‌بنده بفرستند .
(ناشر و مصحح این نسخه گوید) وجود دو کتاب مذکورمحقق‌است ، ازکتاب‌نجوم که بفارسی تألیف شده و موسوم بجوامع‌الاحکام است نسخه های متعدد در ایران یافته میشود ، و از جمله نسخه‌ایست که در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار بنمرهٔ ٦٤٠ مضبوط است ، دونسخهٔدیگر از این‌کتاب را خود نگارنده در کتابخانهٔ ادیب فاضل آقای سلطانی نمایندهٔ بهبهان درمجلس شورای ملی دیده‌ام ، و فاضل محترم آقای مشکوة در رسالهٔ خود که درذیل صفحهٔ (یب) بدان اشاره کرده‌ام نوشته اند که علاوه بر نسخهٔ مدرسهٔ سپهسالار پنج نسخهٔ دیگر از آن‌کتاب دیده‌اند ، و نفیس‌ترین آنها نسخه‌ایست درسبزوار که بسال ۹۴۹ نوشته شده‌است .
واما شرح نهج‌البلاغة نامش معارج نهج‌البلاغة ویك‌نسخه ازآن درکتابخانهٔ آستان مقدس‌رضوی موجود است . ابوالحسن بیهقی بخواهش جمال المحققین ابوالقاسم علی بن حسن الجویقی ؟ النیشابوری بنوشتن این کتاب اقدام کرده وابوالقاسم پیش از تمام شدن کتاب وفات یافته است ، و بیهقی کتاب را همچنان‌بنام او موشح داشته و آنرا بکتابخانهٔ ملك‌النقباء علی‌بن ❊

از جملهٔ کتب بسیار معروف مؤلف ذیلی بوده است برتاریخ یمینی موسوم بمشارب‌التجارب وغوارب الغرائب (۳) و مشتمل بوده است بروقایع تاریخی ایران در مدت صدو پنجاه سال از همانجا که تاریخ یمینی ختم می شود یعنی از حدود سنهٔ ٤١٠ الی حدود ٥٦٠ هجری، و بعبارة اخری شامل بوده است تقریباً تاریخ تمام دورهٔ غزنویه وتمام دورهٔ سلجوقیه و نیمهٔ اول دورهٔ خوارزمشاهیه را، یاقوت

محمدبن یحیی حسینی تقدیم کرده است. از مؤلفات بیهقی نسخهٔ دیگری نیز موجوداست که هنوز هم شاید بیش از چند نفری از وجود آن مطلع نباشند، وآن جلد اول لباب‌الانساب است که دانشمند محترم آقای مشکوة بکشف آن موفق گردیده ونگارنده رابدان دلالت کرده‌اند و نگارنده در تصحیح تاریخ بیهق از آن نسخه استفاده کرده است. این کتاب در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار بنام (نهایة الانساب) مضبوط و سبب مجهول ماندنش نیز همین نام عوضی بوده‌است، بیهقی این کتابرا بنام ابوالحسن علی بن محمد بن یحیی علوی تالیف کرده ودرمقدمه پس از حمد وثنا می‌گوید این سید بزرگوار مرا بتالیف کتابی در علم انساب مامور ساخت ـ واین هنگامی بود که بسبب فتنهٔ نیشابور در مسقط‌الراس خود اقامت گزیده وپیوسته درخدمت وصحبت آن سید بزرگوار بودم ـ ومن پس ازاستخاره در اواخر جمادی‌الاخرة سال ٥٥٨ بتالیف آن شروع کردم. تاریخ فراغ از تالیف کتاب‌هم بطوریکه در آخر کتاب مینویسد در همین سال (ماه رمضان) بوده، وبنابراین تالیف جلد اول لباب‌الانساب در مدت سه ماه تقریباً انجام یافته است. ازنکات قابل توجه اینکه مؤلف در موضعی ازکتاب میگوید مرا برتالیف این کتاب سید نسابهٔ خراسان علی بن حسن بن مطهر اعانت کرده، واین سید عمر خود را در فن انساب گذرانیده ودر مرو با امام حسن بن محمدقطان مؤلف کتاب (الدوحة) آمدوشد داشته است، و اگر این عالم نسابه وکتب او نمی‌بود در این روزگار فتنه و آشوب (که در نیشابور کتابخانه‌ای برجای نمانده وکس نیست که نسب خودرا بداند تا با نساب سادات چه رسد) نوشتن این کتاب برای من میسر نمیشد. لباب‌الانساب مشتمل بر مطالب سودمند ونکات تاریخی مهم و دانستنی و وصف آن درخور مقاله وبلکه رساله ای مستقل است، این مجلد بخط نسخ بسیار خوب‌نوشته شده لیکن متاسفانه بقدری مغلوط است که بوصف در نمی‌آید، آقای مشکوة احتمال می‌دهند که جلد دوم این کتاب هم در آستانهٔ مقدس رضوی ع یافته شود، وبا همتی که در تتبع آثار علم‌وادب دارند در صدد تحقیق آن هستند.

(۳) رجوع کنید بهمین تاریخ بیهق حاضر (صفحهٔ ۲۰) و بتاریخ ابن‌الاثیر در حوادث سنهٔ پانصدو شصت و هشت (طبع مصر ١١ : ١٧٠) وبابن ابی اصیبعة ج ١ ص ۲۲ و بحاجی خلیفه درتحت همین عنوان «مشارب‌التجارب» ونیز بمآخذ دیگرکه بعدها اشاره بدان‌خواهد شد، در ابن‌الاثیر وابن ابی اصیبعة کلمهٔ مشارب با سین مهمله یعنی (مسارب) مسطور است ودر سایر مآخذ (مشارب) با شین معجمه کمافی‌المتن.

در معجم‌الادباء مکرر از این کتاب نقل کرده است ، و همچنین ابن‌الاثیر درتاریخ کامل و ابن ابی اصیبعة در طبقات‌الاطباء و عطا ملك جوینی در تاریخ جهانگشا هر کدام فقراتی از این کتاب نقل کرده‌اند ، و حمدالله مستوفی در دیباچهٔ تاریخ گزیده آنرا از مآخذ خود میشمرد ، و از اینجا معلوم می‌شود که این کتاب بطور قطع تا اواسط قرن هشتم موجود بوده است ، بدبختانه در کتابخانه های اروپا که فهارس مطبوعه دارند تا کنون اثری از این کتاب نفیس بدست نیامده است ولی هیچ مستبعد نیست که در ایران یا در ترکیه یا در سایر ممالك اسلامی شرقی مثل هندوستان و افغانستان و ترکستان نسخهٔ یا نسخی از آن موجود باشد و وقتی بدست بیاید . دیگر از تالیفات ابوالحسن بیهقی ذیلی بوده است بر دمیة القصر با خرزی موسوم بوشاح دمیة القصر یا اختصاراً و شاح‌الدمیة در تراجم احوال شعراء عصر خود ، یاقوت در معجم‌الادباء مکرر از این کتاب نقل کرده است و ابن خلکان نیز در ترجمهٔ حال باخرزی اشاره بدان نموده ، حاجی خلیفه این کتاب‌را بعنوان‌وشاح دمیة القصر و لقاح روضة العصر ذکر کرده است و گویا نام کامل کتاب همین بوده است .

دیگر از تالیفات بیهقی کتابی بوده است در امثال عرب موسوم بغرر الامثال و درر الاقوال در دو جلد (٤) که بقول حاجی خلیفه درکشف‌الظنون ماخذ مجمع‌الامثال میدانی این کتاب بوده‌است چنانکه گوید : غرر الامثال و درر الاقوال لابی‌الحسن علی بن زید البیهقی المتوفی سنة ••• رتب الامثال علی الحروف و ذکر لکل منها السبب و الضرب ثم شرحها اعرابا و معانی و ذکر حلها ایضاً و هو ماخذ المیدانی ، ولی ظاهراً این سهوی است واضح از حاجی خلیفه که منشاء آن عدم اطلاع از عصر بیهقی بوده است ، چه بیهقی بتصریح خود او در مشارب‌التجارب بنقل یاقوت از و در معجم‌الادباء از شاگردان میدانی بوده‌است وسامی فی‌الاسامی و مجمع‌الامثال میدانی

(٤) معجم الادباء ج ٥ ص ٢١١ سطر ٣ بآخر • وحاجی خلیفه ج ٢ ص ١٥٣ درباب غین •

هر دو را در نزد مؤلف آنها یعنی در نزد خود میدانی درس خوانده بوده است [5] وعلاوه بر این بیهقی قریب پنجاه سال دیگر پس از وفات استاد خود میدانی در حیات بوده است چه وفات میدانی در سنهٔ ۵۱۸ و وفات بیهقی در سنهٔ ۵۶۵ بوده است، پس از اینجا واضح میشود که بیهقی فقط اواخر عمر میدانی را درك كرده بوده است در اوایل شباب خود و بسیار مستبعد است که استاد پیری از تألیف شاگرد بسیار جوان خود اقتباس نماید بلکه عادة عکس این فقره معمول است، باری این سخن حاجی خلیفه بکلی بی مأخذ بنظر می‌آید.

و دیگر از تألیفات بیهقی ذیلی است بر کتاب صوان الحکمة؛ و خوشبختانه پنج نسخه ازین کتاب یکی در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد مقدس و دو در استانبول [6] و یکی در برلین و دیگری که مختصری است از اصل در لیدن از بلاد هلاند موجود است.

دیگر از تألیفات ابوالحسن بیهقی همین تاریخ بیهق حاضر است که وصف آن اجمالا سابق مذکور شد. نسخ این کتاب در نهایت ندرت است و تا آنجا که من اطلاع دارم فقط سه نسخه ازین کتاب فعلا بدست است یکی که از همه قدیمتر و صحیح تر و کاملتر است نسخه‌ایست که در موزهٔ بریطانیه در لندن موجود است و این نسخه در سال هشتصد و سی و پنج استنساخ شده است و وصف اجمالی این نسخه را (ریو) در ذیل فهرست نسخ فارسی موجوده در موزهٔ بریطانیه نموده است و بعضی عناوین مهمهٔ آنرا نیز بدست داده است (ص ۶۰ – ۶۱). دوم نسخه‌ایست که در کتابخانهٔ عمومی برلین موجود است و آن عبارت است از همین نسخهٔ حاضره که

---

(۵) ثم حضرت درس الامام صدر الافاضل احمد بن محمد المیدانی فی محرم سنة ۵۱۶ وصححت علیه کتاب السامی فی الاسامی من تصنیفه و کتاب المصادر للقاضی و کتاب المنتحل و کتاب غریب الحدیث لابی عبید و کتاب اصلاح المنطق و مجمع الامثال من تصنیفه (معجم الادباء ج ۵ ص ۲۰۹ نقلا از مشارب التجارب بیهقی)

(۶) یکی در کتابخانهٔ بشیر آقا ص ۵۳ از فهرست کتابخانه های اسلامبول نمرهٔ ۴۹۴، ودیگری در کتابخانهٔ ملا مراد ص ۱۱۵ از فهرست مذکور نمرهٔ ۱۴۳۱ که در فهرست غلطاً ۱۴۰۸ چاپ شده است (تقریر شفاهی آقای سید کلیم الله حیدرآبادی)

عکس آن برداشته شده‌است و این نسخه بسیار جدیداست و در سال ۱۲۶۵ درلکهنو در هندوستان استنساخ شده است و از اول آن چند ورق ناقص‌است (۷) ولی یکی از نساخ یا یکی ازمالکین آن نسخه برای آنکه نقصان کتاب معلوم نشودچندسطری دیباچهٔ مصنوعی از خود ساخته و در ابتدای‌آن افزوده است ، وصف‌اجمالی‌این‌نسخه را(پرچ)مستشرق آلمانی در فهرست نسخ فارسی موجوده در کتابخانهٔ دولتی برلین بدست داده است (ص ۵۱۶) . سوم نسخه ایست که درکتابخانهٔ عمومی‌ترکستان در تاشکند موجود است و این نسخه از نسخهٔ برلین نسبةً قدیمتراست ولی ازنسخهٔ لندن بسیار جدیدتر و در سنهٔ ۱۰۵۷ استنساخ شده است و این نسخه نیز ازابتدا ناقص‌است ، (بارتولد)مستشرق‌معروف روسی‌اشارهٔ اجمالی بدین‌نسخه‌دردایرةالمعارف اسلامی درتحت عنوان بیهق و در کتاب‌ترکستان خود (ترجمهٔ انگلیسی ص ۳۱- ۳۲) نموده است .

(مآخذ) بعضی از کتب که اسمی از مؤلف این کتاب ابوالحسن‌بیهقی یا یکی از تألیفات او برده اند ذیلا اشارهٔ اجمالی‌بآنهامی‌شود تا هرکس مایل‌باطلاعات بیشتری در خصوص‌مؤلف کتاب باشد بدانها رجوع نماید :

(۱) یاقوت در معجم‌الادباء ج ۵ ص ۲۰۸ - ۲۱۸ ترجمهٔ حال جامع مبسوطی از بیهقی از قول خود او در کتاب مشارب‌التجارب‌وغوارب‌الغرائب‌او ذکر نموده است و فهرست جمیع یا اغلب‌مصنفات او را درین‌ترجمهٔ حال بدست‌داده‌است و علاوه بر این درمواضع مختلفهٔ دیگر ازمعجم‌الادباء مکرر از همین‌مشارب‌التجارب و از وشاح‌الدمیة تألیف دیگر بیهقی فصول متعددهٔ‌نقل کرده است ، از جمله فصلی راجع بترجمهٔ حال صاحب بن عباد (۸) و علی بن احمد فنجکردی (۹) و باخرزی

---

(۱۷) و علی‌التحقیق قریب یازده صفحه (پنج ورق و نیم) از صفحات نسخهٔ لندن ازابتدای نسخهٔ حاضره افتاده‌است و تمام صفحهٔ اول این نسخه چنانکه درمتن گفته‌ایم‌مصنوعی و الحاقی‌است و از مؤلف نیست ، و ابتدای نسخهٔ اصلی‌از سطر اول از صفحهٔ دوم که ابتدای آن این‌عبارت است « وتاریخ‌دانستن با آنکه فایدهٔ بزرك دارد » شروع میشود و مطابق‌است با سطر ۱۲ ازصفحهٔ۲ از ورق ۷ از نسخهٔ لندن .

(۸) معجم‌الادباء ج ۲ ص ۳۱۴ - ۳۱۵ نقلا از مشارب‌التجارب . (۹) ایضاً ج ۵ ص۱۰۳ از وشاح الدمیة .

معروف صاحب دمیة‌القصر (۱۰) و نیز همو در کتاب دیگر خود معجم‌البلدان بسیار مکرر گویانه یا ده مرتبه (۱۱) از همین بیهقی مانحن فیه بدون تسمیهٔ کتابی مخصوص ازو فصولی راجع بجغرافیای قری و قصبات ناحیهٔ بیهق و نیشابور نقل نموده است و بهمین مناسبت باحتمال بسیار قوی جمیع این فصول از همین تاریخ بیهق حاضر باید منقول باشد، بخصوص که یاقوت بتصریح خود اوتاریخ بیهق راشخصاً دیده بوده (۱۲) و بلا شك از آن استفاده نموده بوده است، و اگر کسی فرصت مقابلهٔ منقولات یاقوت را با تاریخ بیهق داشته باشد البته صحت یا بطلان این احتمال را بآسانی می تواند معلوم نماید.

(۲) ابن‌الاثیر در تاریخ کامل (۱۳) در حوادث سنهٔ پانصد و شصت و هشت فصلی راجع بتاریخ خوارزمشاهیان از مشارب‌التجارب مؤلف نقل کرده است.

(۳) ابن ابی اصیبعة در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء فصلی از مشارب‌التجارب بیهقی باسم و رسم نقل کرده است (۱٤)

(٤) ابن خلکان تمام ترجمهٔ حال شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا یا قسمت عمدهٔ آنرا بتصریح خود او از تتمهٔ صوان‌الحکمة مؤلف نقل نموده است (۱۵) و نیز در ترجمهٔ حال علی بن حسن باخرزی معروف صاحب دمیة القصر اشارهٔ اجمالی بوشاح الدمیهٔ بیهقی کرده (۱٦)

---

(۱۰) ایضاً ج ٥ ص ۱۲۱ بدون تسمیهٔ کتابی و ص ۱۲۴ - ۱۲۸ نقلا از مشارب‌التجارب . (۱۱) رجوع کنید بمعجم‌البلدان در تحت عناوین بشت و بشتنفروش و بیشك و تکاف و رخ و ریوند و زام و زاوه و زوزن - و نیز رجوع بفهرست آن کتاب طبع لیبزیك در تحت عنوان البیهقی ابی‌الحسن (علی بن زید) ص ۳٥۳ . (۲) در معجم‌الادباء ج ٥ ص ۲۱۳ در ترجمهٔ حال بیهقی گوید : قال المؤلف و وجدت له تاریخ بیهق بالفارسیة و کتاب لباب‌الانساب

(۱۳) تاریخ اتمام کامل ابن‌الاثیر سنهٔ ٦۲۸ است .

(۱٤) عیون‌الانباء طبع مصر ج ۱ ص ۷۲ . تألیف عیون‌الانباء فی طبقات الاطباء در حدود سنهٔ ششصد و چهل و سه بوده است . (۱٥) قلت نقلت هذا جمیعه من کتاب تتمة صوان‌الحکمة تألیف الشیخ ظهیرالدین ابی‌الحسن بن ابی‌القاسم‌البیهقی (ابن خلکان طبع طهران ج ۱ ص ۱٦۹)

(۱٦) وقد وضع علی هذا الکتاب ابوالحسن علی بن زید البیهقی کتابا سماه و شاح الدمیة و هو کالذیل له (ایضاً ص ۳۹٥) .

(۵) علاء الدین عطا ملك جوینی صاحب تاریخ جهانگشا در جلد دوم آن کتاب در صفحهٔ اول فصلی راجع بتاریخ خوارزمشاهیان از مشارب التجارب بیهقی نقل نموده است ولی سهواً آن کتاب را ذیل تجارب الامم ابو علی مسکویه پنداشته وحال آنکه بتصریح خود بیهقی در همین تاریخ بیهق ورق ۷ ص ۱۳ (ص ۲۰ این نسخه) کتاب مشارب التجارب ذیل تاریخ یمینی است نه ذیل تجارب الامم مسکویه، چنانکه گوید « ومن از آخر کتاب یمینی تاریخی ساختم نام آن مشارب التجارب وغوارب الغرائب الی یومنا هذا » و همانا منشأ سهو جوینی ظاهراً کلمهٔ (تجارب) در (مشارب التجارب) بوده است که جوینی توهم نموده که اشاره بتجارب الامم مسکویه است، بخصوص که موضوع هر دو کتاب یعنی هم تاریخ یمینی وهم تجارب الامم مسکویه هردو تاریخ است و هردو نیز در ازمنهٔ متقاربه تألیف شده اند ـ تجارب الامم در حدود سنهٔ ۳۷۰ و تاریخ یمینی درحدود سنهٔ ۴۱۰ ـ و شکی نیست که مراد از تجارب در مشارب التجارب معنی لغوی آنست که جمع تجربه باشد .

(۶) حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (مؤلف در سنهٔ ۷۳۰) مشارب التجارب را در جزو مآخذ خود می شمرد (طبع اوقاف گیپ ص ۸)

(۷) حاجی خلیفه در کشف الظنون در تحت عناوین تاریخ بیهق ودمیة القصر وغرر الامثال ودرر الاقوال وکتاب العروض وکنز الحجج فی الاصول و مشارب التجارب و غوارب الغرائب ووشاح دمیة القصر و قوام علوم الطب، و شاید درغیر این موارد نیز ذکری از مؤلف و بعضی تألیفات او کرده است .

(۸) دزی، مستشرق معروف هلاندی در فهرست نسخ عربی و فارسی و ترکی لیدن (هلاند) ج ۲ ص ۲۹۴ ـ ۲۹۵ بمناسبت نسخهٔ که از اختصار تتمهٔ صوان الحکمة تألیف بیهقی در آن کتابخانه موجود است شرحی مفید از مؤلف واز آن کتاب او مسطور داشته است .

(۹) ساخائو، مستشرق معروف آلمانی در دیباچهٔ کتاب الاثار الباقیة لابی ریحان البیرونی صفحهٔ سی الی سی ودو ترجمهٔ حال ابوریحان را بعین عبارت از کتاب

تتمهٔ صوان‌الحکمهٔ بیهقی نقل کرده است و باین مناسبت شرح حال مختصری نیز از مؤلف مرقوم داشته است .

(۱۰) ریو ، مستشرق معروف انگلیسی در ذیل فهرست نسخ فارسی موجوده در موزهٔ بریطانیه (ص ۶۰ — ۶۱) بمناسبت آنکه نسخهٔ از تاریخ بیهق در آن کتابخانه موجود است شرح مفیدی از آن کتاب و از مؤلف آن نگاشته و عناوین مهمهٔ کتاب‌را نیز بدست داده است .

(۱۱) پرچ ، مستشرق معروف آلمانی در فهرست نسخ فارسی موجوده در کتابخانهٔ دولتی برلین (ص ۵۱۶) بمناسبت اینکه نسخهٔ دیگری از تاریخ بیهق (که همین نسخهٔ حاضره باشد) در آن کتابخانه موجود است شرحی از مؤلف و ازین کتاب او ذکر نموده است .

(۱۲) اهلورد ، مستشرق معروف آلمانی در فهرست نسخ عربی موجوده در کتابخانهٔ دولتی برلین ج ۹ ص ۴۵۷ — ۴۵۸ بمناسبت اینکه نسخهٔ از تتمهٔ صوان الحکمهٔ مؤلف در آن کتابخانه موجود است ترجمهٔ حالی از مؤلف و وصف مفید مشروحی از خود کتاب با انتخاباتی از عناوین آن بدست داده است .

(۱۳) بارتولد ، مستشرق معروف روسی در دائرة المعارف اسلام درتحت عنوان بیهقی (ج ۱ ص ۶۰۴ — ۶۰۵) شرح مفیدی راجع بترجمهٔ حال مؤلف و وصف دو کتاب معروف او یکی مشارب‌التجارب و دیگری همین تاریخ بیهق و اهمیت فوق‌العادهٔ این کتاب برای تاریخ ایران و لزوم حتمی طبع آن نگاشته‌است، و همو در کتاب موسوم بترکستان خود که اخیراً از روسی بانگلیسی ترجمه شده و در اوقاف گیب بطبع رسیده است باز از بیهقی و تاریخ بیهق وتتمهٔ صوان‌الحکمة و مشارب‌التجارب او شرحی مفید مسطور داشته است وعلاوه براین در تضاعیف آن کتاب یعنی ترکستان مکرراز تاریخ بیهق فقراتی نقل کرده یا حواله بدان داده‌است .

(۱۴) درحواشی راقم این سطور بر چهار مقالهٔ نظامی عروضی سمرقندی ص ۲۱۷ — ۲۱۸ نقلا از کتاب المظفریة و آن نیزنقلااز فردوس التواریخ مولانا

خسرو ابرقوهی حکایتی ازین ابوالحسن بیهقی مؤلف تاریخ بیهق درخصوص ملاقات او باعمرخیام در سنهٔ پانصد وپنج و سؤال خیام ازو معنی بیتی ازحماسه را مسطور است ، ولی چون در اصل فردوس التواریخ یا در منقولات المظفریة از آن کتاب اسمی از ماخذ این حکایت برده نشده است عجالة معلوم نشد که خسرو ابرقوهی از کدام یك از مؤلفات بیهقی این فقره رانقل کرده است ، و در هرصورت ازمقایسهٔ تاریخ پانصد وپنج هجری با تاریخ تولد مؤلف که چنانکه گفتیم در حدود چهارصد و نود بوده است معلوم میشود که بیهقی درهنگام ملاقات باعمر خیام ظاهراً جوانی بوده است پانزده شانزده ساله که بمجلس استاد معمر هفتاد هشتاد ساله حاضر شده بوده است ، و لابد بیشتر بقصد تیمن و تبرك ومباهات وافتخار تابقصد استفاده واستفاضه و تعلم ، زیرا عمرخیام درسنهٔ چهارصدوشصت وهفت بتصریح ابن الاثیر درحوادث همین سال از مشاهیر منجمین عصرخود محسوب میشده است چه سلطان ملکشاه سلجوقی اورا و جمعی دیگر از منجمین معروف را در همین سال برای تاسیس تاریخ جلالی و بستن رصد مامور نمود ، (۱۷) پس اگر باقل تقدیرات در آن تاریخ سن خیام راسی سال هم فرض کنیم باز بالضرورة درسنهٔ ۵۰۵ که بیهقی او را دیده بوده خیام مردی بوده است اقلا هفتاد ساله و شاید نیز هشتاد ساله یا نودساله ، و بنا برین سؤال نمودن خیام از بیهقی درخصوص معنی بیتی از حماسه بشرحی که درحواشی چهارمقاله مسطور است بلاشك از بابت تشویق ودل بدست آوردن آن طالب علم بسیار جوان بوده است از طرف آن استاد مسن معمر محترم چنانکه در امثال این موارد مرسوم است نه سؤال

---

(۱۷) و فیها (ای فی سنة ۴۶۷) جمع نظام الملك والسلطان ملکشاه جماعة من اعیان المنجمین وجعلوا النیروز اول نقطة من الحمل و کان النیروز قبل ذلك عند حلول الشمس نصف الحوت و صار ما فعله السلطان مبدأ التقاویم و فیها ایضاً عمل الرصد للسلطان ملکشاه و اجتمع جماعة من اعیان المنجمین فی عمله منهم عمر بن ابراهیم الخیامی و ابوالمظفر الاسفزاری و میمون بن النجیب الواسطی وغیرهم و خرج علیه من الاموال شیء عظیم و بقی الرصد دائراً الی ان مات السلطان سنة خمس و ثمانین و اربعمائة فبطل بعد موته (ابن الاثیر در حوادث ۴۶۷)

استمادهٔ عالم‌ازعالم ونظیر از نظیرچنانکه دربدو امرممکن‌است توهم رود .

محمدبن‌عبدالوهاب‌قزوینی بیستم‌صفرسنهٔ‌هزار و سیصد و پنجاه مطابق ۱۵ تیر ۱۳۱۰

(تذکار)

آقای قزوینی برمقدمهٔ فوق تکمله‌ای درخصوص خیام افزوده و درآن تکمله ثابت نموده اند که بعضی از مؤلفین که در باب ملاقات بیهقی با عمرخیام چیزی نوشته اند مأخذ اصلی آنها کتاب تتمهٔ صوان الحکمة تألیف خود بیهقی بوده است ، و برای مزید فائده شرح حالی‌را که بیهقی در آن کتاب از عمر خیام نوشته است بعین عبارت عربی با تعلیقات و حواشی سود مند نقل کرده اند . و چون این‌تکمله با نهایت سودمندی مشتمل بر موضوع تاریخی مستقل و استفادهٔ از مقدمه بدون آن ممکن بود ، برعایت اختصار از درج آن صرف نظر شد .

بر نسخهٔ لندن هم آقای قزوینی مقدمه‌ای نوشته‌اند که تقریباً عین مقدمهٔ نسخهٔ برلین‌است ، جز اینکه در خاتمهٔ آن مختصری در خصوص بی ترتیب بودن اوراق نسخه نوشته اند که در سابق بدان اشاره کرده‌ام (ص ه)و اکنون هم عین آن نقل می شود .

****

در خاتمه مجدداً تذکر میدهد که (ریو) در ذیل فهرست نسخ فارسی محفوظه در موزهٔ بریطانیه (ص ۶۰–۶۱) فهرست عناوین تاریخ بیهق را از روی همین نسخهٔ حاضرهٔ با تعیین اوراق آنها بدست می‌دهد ، و راقم سطور ابتدا میخواست عین مسطورات « ریو » را ترجمه نموده برای تسهیل کار مطالعه کنندگان در این وجیزه درج نماید ، ولی پس از رجوع باصل نسخه و مقایسهٔ مسطورات « ریو » با اوراقی که حواله بآنها میدهد معلوم شد که اولا « ریو » تمام عناوین کتاب را استقصا نکرده است و بسیاری از آنهارا سهواً یا اختصاراً

از قلم انداخته است و ثانیاً بسیاری از اوراق اصل نسخهٔ موزهٔ بریطانیه در صحافی گویا پیش و پس شده است بطوری که ترتیب آنها این طور که هست ظاهراً مطابق با واقع نیست ، لهذا دیدم که نقل مسطورات ریو که اولا جامع تمام عناوین نیست و ثانیاً اساس آن بر اوراق پریشان نسخهٔ اصلی است در اینجا چندان مفید فایده نخواهد بود ، و بنا برین خودرا در اختیار یکی ازین دو شق که سومی ندارد مخیر دیدم ، یا بایستی تمام اوراق نسخه را صفحه بصفحه بلکه سطر بسطر تصفح نموده و تمام عناوین ابواب و فصول آنرا علیحده استخراج کرده در اینجا ثبت نمایم و این فقره مستلزم صرف وقت بسیار طویلی بود که بدبختانه برای راقم سطور بواسطهٔ ضیق مجال فعلا بهیچ وجه میسر نبود ، و یا آنکه بکلی صرف نظر از دادن فهرست عناوین کتاب نموده این کار را بعهدهٔ فضلای ایرانی که بعدها در صدد طبع این کتاب یا استفاده از مندرجات آن برخواهند آمد وا گذار نمایم ، بواسطهٔ نداشتن وقت خواهی نخواهی شق اخیر را اختیار نمودم با آنکه بکلی بر خلاف میل قلبی من بود .

محمد بن عبدالوهاب قزوینی ۱۳ ربیع الثانی ۱۳٤۸ مطابق ۲٦ شهریور ۱۳۰۸